



**Parviz Bagheri**

Associate Prof. of Law  
Dep., Faculty of Literature  
and Humanities, Ilam  
University, Ilam, Iran.  
(Corresponding Author)  
p.bagheri@ilam.ac.ir

**RezaHossein Gandomkar**

Associate Prof. of Law  
Dep., Faculty of Law,  
Qom University, Qom,  
Iran.  
rh.gandomkar@qom.ac.ir

## Mitigating-Terms of Liability in Insurance Contracts in Islamic Law

### Abstract

In terms of the degree of freedom of the parties to determine their terms and conditions, contracts are divided into two types: negotiation and supplementary. In the negotiation type, where complete freedom is prevailing, terms and conditions which are already agreed upon by the parties become binding on them in the form of the provisions of the contract. However, in the supplementary type, the parties are not in an equal position in terms of determining the provisions of the contract. They are sometimes provided as a standard form and the weaker party is only free to either join or waive these conditions. Insurance contracts are of this type. The question that arises is whether there is freedom for the parties to determine the contractual terms in these contracts. If the answer is yes, then in light of the fact that the contract is supplementary, two issues shall be pinpointed: the degree of this freedom and whether the parties are in an equal position in terms of stipulating conditions such as mitigating terms. Mitigating terms of liability are those that, upon the agreement of the parties, reduce the degree of responsibility or damage entailed by the contract. As a result, the obliged party might pay a lesser amount following the realization of the damage. The regulations governing insurance contracts, as a supplementary type, were examined in this descriptive-analytical study. Maintaining that the parties to the insurance contract enjoy limited freedom in stipulating the terms of the mitigation of liability and its other provisions, findings suggest that the insuring party is in a superior position, and apparently the insurance regulations need to be modified to protect the insured (weaker party)

### Keywords:

Insurance Contract, Supplementary Contract, Emergency Transaction, Liability Mitigating Conditions

## پرویز باقری

دانشیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات

و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام،

ایران. (نویسنده مسئول)

p.bagheri@ilam.ac.ir

## حسین رضا گندمکار

دانشیار گروه حقوق خصوصی،

دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم،

ایران.

rh.gandomkar@qom.ac.ir

## شرط کابنده مسؤلیت قراردادی بیمه در حقوق اسلامی

## چکیده

قراردادها از حیث میزان آزادی طرفین عقد در تعیین مفاد و شروط آنها به دو دسته مذاکره‌ای و الحاقی تقسیم می‌شوند. در قسم اول در کمال آزادی هر آنچه که به توافق مشترک طرفین می‌رسد به‌عنوان مفاد قرارداد برای آنان الزام‌آور است لیکن در قرارداد الحاقی طرفین از حیث تعیین مفاد قرارداد در وضعیت برابر قرار ندارند و اصولاً طرف دیگر که از قدرت برتر یا انحصاری برخوردار و بعضاً به‌صورت فرم استاندارد در اختیار طرف ضعیف‌تر قرار داده و او صرفاً مختار است به این شرایط ملحق یا از آن صرف‌نظر کند. عقد بیمه از این نوع عقود می‌باشد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که در این قراردادها آیا آزادی برای طرفین در تعیین شروط قراردادی وجود دارد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است با وجود الحاقی بودن عقد، مقدار این آزادی چقدر است و آیا از حیث گنجاندن شروطی همچون کابنده مسؤلیت، طرفین در موقعیت برابر قرار دارند یا خیر؟ مقصود از شروط کابنده مسؤلیت شروطی است که با توافق طرفین میزان مسؤلیت یا خسارت ناشی از قرارداد را کاهش داده و متعهد می‌تواند با وجود تحقق خسارت، میزان کمتری را بپردازد. در این مقاله که با روش تحلیلی و توصیفی انجام شده است؛ با بررسی مقررات حاکم بر قراردادهای بیمه به‌عنوان یکی از عقود الحاقی به این نتیجه رسیده است که طرفین قرارداد بیمه در تغییر شروط کاهش مسؤلیت و سایر مفاد آن از آزادی محدودی برخوردارند و به همین مقدار بیمه‌گر در موقعیت برتر قرار دارد و در نتیجه برای حمایت از بیمه‌گذار (طرف ضعیف) مقررات بیمه نیازمند اصلاح است.

## واژگان کلیدی:

قرارداد بیمه، معاملات اضطراری، شروط کاهش مسؤلیت

## مقدمه

قرارداد محصول مشترک توافق طرفین آن است و بر مبنای اصل حاکمیت اراده طرفین قرارداد در تعیین نوع عقد و مفاد آن از آزادی برخوردار هستند. این اصل به اصل آزادی قرارداد شهرت دارد که در ماده (۱۰) قانون مدنی ایران نیز مورد تأیید قرار گرفته است. علیرغم این اصل مهم که از لوازم آزادی انسان در زندگی اجتماعی بالأخص روابط حقوقی است، توسعه جوامع و ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی در برخی از عقود، محدودیت‌های خاصی را برای طرفین و بخصوص طرف ضعیف قرارداد در نظر گرفته است و اجازه نمی‌دهد طرفین بتوانند مفاد قراردادی را که یک طرف آن که عمدتاً شخص حقوقی با موقعیت برتر یا انحصاری است را با توافق و در قالب شروط تعیین و تغییر دهند. این نوع قراردادها به قرارداد الحاقی معروف‌اند. از جمله این قراردادها قرارداد بیمه است و دکترین حقوقی، بیمه را عقد الحاقی می‌شمارد (شهیدی، ۱۳۷۷: ش ۵۶، کاتوزیان، ۱۳۸۰، ج ۱: ش ۱۳)؛ زیرا قرارداد قبلاً توسط بیمه‌گر تهیه و چاپ شده است و بیمه‌گذار به قراردادی از پیش تعیین شده بدون آنکه نقشی در تعیین مفاد و شروط آن داشته باشد بدان می‌پیوندد. گاهی صرفاً باید جای خالی فرم قرارداد را پر نماید. این وضعیت می‌تواند موجب سوءاستفاده شرکت‌های بیمه‌گر شود و در جهت تأمین حداکثر منافع خود و حداقل منافع بیمه‌گذار در ضمن قرارداد الحاقی اقدام کنند. سؤال مهمی که در این خصوص وجود دارد این است که: با وجود الحاقی بودن عقد بیمه آیا بیمه‌گذار می‌تواند با توافق بیمه‌گر میزان تعهدات خود را کاهش داده و نیز بیمه‌گر می‌تواند ضمن قرارداد میزان مسئولیت خود در پرداخت خسارت را کاهش دهد و البته صورت عکس این سؤال هم مطرح است که آیا امکان افزایش چنین تعهدات و مسئولیت‌هایی در عقد بیمه هست که این فرض از موضوع بحث ما خارج است. البته در صورت اثبات فرض اول فرض دوم هم اثبات می‌شود. در ایران بیمه مرکزی وظیفه نظارت بر فعالیت شرکت‌های بیمه را دارد و مرجع عمومی برای تعیین شرایط عمومی قراردادهای بیمه است و بر این مبنای آزادی شرکت‌های بیمه در تعیین شرایط و مفاد عقد بیمه محدودتر شده و نمی‌توانند بنا بر خواست و مصالح خود شرایط عمومی را تغییر دهند و بر بیمه‌گذار تحمیل نمایند. (بابایی، ۱۳۸۶: ۵۶) لیکن این تمهیدات هرچند لازم است اما کافی به نظر نمی‌رسد زیرا اولاً طرفین امکان مذاکره در مورد این گونه شروط عمومی را ندارند ثانیاً مقررات بیمه شروطنی را به‌عنوان شروط اختصاصی پیش‌بینی نموده است. در صورت بیمه مسئولیت و خسارت در قبال پرداخت حق

بیمه از سوی بیمه‌گذار، بیمه‌گر مسئول پرداخت تمام خسارات وارده است اما آیا می‌توان به موجب شرط، این مسئولیت را کاست و بیمه‌گر به مقدار توافق، زیان وارده را جبران و مابقی خسارت را خود بیمه‌گذار جبران کند یا مثلاً بیمه‌گذار با بیمه‌گر شرط کند که مبلغ بیمه کمتری را بپردازد ولیکن بیمه‌گذار مکلف به جبران تمام خسارات وارده گردد؟ پس مقصود از شروط کاهنده مسئولیت شروطی است که بر اساس آن در صورت وقوع خسارت، بیمه‌گذار کمتر از میزان خسارت وارده بپردازد و یا بیمه‌گذار مبلغی کمتر از میزان اعلام‌شده توسط بیمه‌گر بپردازد. با توجه به پیش‌بینی شروط اختصاصی به موجب قانون بیمه، طرفین می‌توانند در ضمن این شروط میزان تعهدات و مسئولیت ناشی از عقد بیمه را مورد مذاکره و توافق قرار دهند. لیکن آنچه مهم است تعیین حدود این آزادی است. مفهوم این قبیل شروط کاهنده مسئولیت و تعهد و آثار آن‌ها کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. ارجاع این شروط به شروط اختصاصی بیمه‌نامه با توجه به آنچه در خصوص الحاقی بودن عقد بیمه گفته شد (عدم برابری وضعیت و قدرت طرفین - عدم قدرت چانه‌زنی - تأمین منافع تهیه‌کننده قرارداد و ضرورت به دست آوردن موضوع قرارداد) قابل انتقاد است و موجب سوءاستفاده بیمه‌گر و ضرر بیمه‌گذار و زیان دیده می‌شود.

حدود آزادی طرف ضعیف و حمایت از او در قراردادهای الحاقی یکی از دغدغه‌های اصلی نظام حقوقی ما است؛ زیرا علاوه بر آنچه ذکر شد طرف ضعیف عمدتاً به دلیل اضطراب چاره‌ای به‌جز پذیرش تمامی شرایط تحمیلی طرف دیگر را ندارد و در حقیقت عقد را از روی اضطراب انجام می‌دهد و این اضطراب، موجبات سوءاستفاده بیمه‌گر را در جهت تحمیل شرایط موردنظر خود فراهم می‌کند. مضافاً اینکه در زمان اجرای مفاد قرارداد نیز، باز هم این شرکت بیمه است که خواسته‌های خویش را بر بیمه‌گذار تحمیل می‌کند. این خصوصیات عقد الحاقی بیمه و ضرورت اجرای عدالت در روابط حقوقی طرفین موجب شده صاحب‌نظران و محاکم قضایی و قانون‌گذار، در جهت تعدیل این نوع قراردادها راهکارهایی بیندیشند. تفسیر قرارداد بیمه مبهم به نفع طرف ضعیف - واگذاری تعیین شرایط عمومی عقد بیمه به بیمه مرکزی و ضرورت دخالت و نظارت این سازمان بر شرکت‌های بیمه نمونه‌ای از این تلاش‌هاست. این مقاله با توجه به عنوان موضوع در سه گفتار ارائه می‌شود: در گفتار اول با توجه به ماهیت الحاقی بودن عقد بیمه به بررسی نقش طرفین در تعیین مفاد و شرایط عقد بیمه پرداخته می‌شود. در گفتار دوم با توجه به وضعیت خاصی که ضرورت بیمه را اقتضا می‌کند به بحث در خصوص اضطرابی بودن بیمه

و اثر آن در قرارداد و روابط طرفین می‌پردازیم و در گفتار سوم به بررسی شروط کاهنده قرارداد می‌پردازیم.

### ۱- نقش طرفین در تعیین مفاد و شرایط قرارداد بیمه

قرارداد امری اعتباری است که با اراده و خواست طرفین ایجاد می‌شود. (ماده ۱۹۰ و ۱۹۱ ق م) برای انعقاد یک عقد، به‌عنوان محصول مشترک اراده طرفین، آزادی و برابری آنان به‌عنوان یک اصل است و هیچ یک برتری و امتیازی بر دیگری ندارند. اصل حاکم بر قراردادها آزادی است و مقتضای این اصل آزادی طرفین در انتخاب طرف قرارداد نوع قرارداد و تعیین شرایط و مفاد آن است و اصولاً هیچ شرط و حقوق و تعهدی در قرارداد بدون موافقت ایشان محقق نمی‌شود. مفاد این اصل در ماده (۱۰) و (۱۹۱) قانون مدنی ایران نیز لحاظ شده است. اصل حاکمیت اراده در قلمرو حقوق قراردادهای ایران با وجود فراز و فرودهای فراوان، تقریباً همچنان مانند گذشته، نقش بنیادین در اصل انعقاد قرارداد، انتخاب طرف معامله، تعیین مفاد و شروط ضمن عقد دارد. با وجود این، جایگاه این اصل در قراردادهای بیمه به‌ویژه از حیث حدود اختیارات و آزادی طرفین در تعیین شرایط و مفاد قرارداد مزبور، چندان معلوم نیست (امامی، ۱۳۷۵).

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های قابل طرح در این باره این است که آیا شرایط و مفاد قرارداد بیمه از قبل به صورت کامل تعیین شده و بیمه‌گذار فقط مجاز به قبول تمام شرایط بیمه‌نامه یا انصراف از قبول آن است؛ یا اینکه امکان مذاکره و تغییر شرایط میان بیمه‌گذار با بیمه‌گر وجود دارد. محتوی قرارداد بیمه به‌صورت یک قرارداد نمونه و استاندارد را شروطی تشکیل می‌دهد که بیمه‌گذاران در تعیین حدود و مفاد آن نقش چندانی ندارند. شروط بیمه‌نامه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: شرایط عمومی و شرایط اختصاصی. شرایط عمومی را نوعاً به‌صورت چاپی در بیمه‌نامه درج می‌کنند و ناظر به احکام آمره بیمه است و طرفین مکلف به رعایت آن هستند. (دستباز، ۲۸). در مقابل شروط اختصاصی یا خصوصی شروطی است که طی توافق طرفین و در مواردی خاص توسط طرفین عقد مورد توافق قرار می‌گیرد. طرفین با رعایت ضوابط و مقررات شرایط عمومی می‌توانند به منظور تحدید یا توسعه تعهدات در مورد آن‌ها توافق کنند؛ و در صورت تعارض این شروط با شرایط عمومی بر اساس عرف بر شرایط عمومی مقدم است. هم‌چنین در بیمه‌های گروهی برخلاف بیمه‌های انفرادی بیمه‌گذار می‌تواند پیشنهاد تغییر و

یا شروط جدیدی را در قرارداد به نفع اعضا بنماید. همان‌طور که ملاحظه می‌شود آزادی طرفین قرارداد بخصوص از جانب بیمه‌گذار در تعیین و تغییر شروط قراردادی مطلق نیست بلکه محدود و مقید به شرایط خاصی است و بسیاری از مفاد قرارداد بیمه بخصوص شرایط عمومی برای بیمه‌گذار است. البته با وجود الحاقی بودن عقد بیمه اختیارات بیمه‌گران نیز در تعیین مفاد و شروط قرارداد، تابع محدودیت‌ها و ضوابط معینی است و پیش‌بینی هر شرطی از سوی بیمه‌گرها مجاز نبوده و به‌طور کامل از اصل آزادی قراردادی، به‌ترتیبی که در حقوق قراردادهای خصوصی مرسوم است، تبعیت نمی‌کند (بابایی، ۱۳۸۶).

البته باید توجه داشت که ارائه مفاد بیمه‌نامه به‌صورت فرم استاندارد و اصولاً غیرقابل تغییر توسط طرفین ناشی از این ضرورت است که بیمه‌گری که با صدها هزار و یا میلیون‌ها شخص به‌عنوان بیمه‌گذار طرف قرارداد می‌شود نمی‌تواند برای هرکدام از بیمه‌گذاران شرایط جداگانه‌ای تهیه کند و با آن‌ها به توافق برسد. از طرفی دیگر عقد بیمه یک امر تخصصی است و کارشناسان بیمه‌گر معمولاً کلیه جوانب امر را سنجیده و متن شرایط را تهیه می‌کنند و این شرایط باید با عنایت به لزوم رعایت حسن نیت از ناحیه بیمه‌گر باشد. با وجود الحاقی بودن قرارداد و امکان تحمیل شرایط یک‌طرفه از جانب بیمه‌گر، لزوم رعایت جهات تجاری و جذب بیمه‌گذاران بیشتر، بیمه‌گران سعی می‌کنند قرارداد به نحوی تنظیم گردد که عموماً متضمن منافع طرفین قرارداد باشد.

## ۲- اضطراب در زمان انعقاد قرارداد بیمه- الحاقی بودن

تقسیم قراردادهای به قرارداد الحاقی و قرارداد با گفت‌وگوی آزاد، در حقوق ایران چندان مورد توجه نبوده و حقوق‌دان‌ها نیز به تفصیل به شرایط و آثار آن پرداخته‌اند. در آثار برخی از حقوق‌دانان بحث مختصری در خصوص این قراردادهای مشاهده می‌شود به‌عنوان مثال دکتر کاتوزیان در کتاب قواعد عمومی قراردادهای این مسئله را مطرح کرده و درباره‌ی آن بحث نموده است. برخی از حقوق‌دانان هم عنوان‌های دیگری را برای این قراردادهای برگزیده‌اند و به تعریف آن پرداخته‌اند. بعضی آن را «عقود تحمیلی» نامیده‌اند، زیرا شروط و مفاد آن برطرف مقابل تحمیل می‌شود و او مجبور به پذیرش آن است؛ (شهیدی، ۱۳۷۷: ۹۰)؛ و عده‌ای دیگر، آن را «عقود تصویبی» خوانده‌اند، چون شخص یا باید آن را تصویب کند و یا به‌طورکلی رد نماید. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۵۴۶).

امروزه قراردادهای الحاقی نقش مهمی را در زندگی جوامع از جهات مختلف از جمله حقوقی و اقتصادی ایفا می‌کنند. نقش بیمه‌ها و تسهیلات بانکی و استفاده از خدمات شرکت‌های آب و برق و... به‌عنوان نمونه‌ای از عقود الحاقی قابل‌اغماض نیست و هر روز بر تعداد و نوع این قراردادها افزوده می‌شود. رشد روزافزون علم و فناوری و افزایش مخاطرات گوناگون مالی و جانی ناشی از این تحولات، انعقاد این نوع قراردادها را بعضاً برای افراد اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. نمونه بارز این ضرورت در قراردادهای بیمه حوادث رانندگی است که انکارناپذیر است. افزایش روز افزون تصادفات رانندگی و صدمات سنگین جانی و مالی به زیان‌دیدگان و ضرورت حمایت از زیان‌دیده و جبران کامل خسارت وارده به آنان و ناتوانی عاملین زیان در جبران خسارات وارده، عقد بیمه حوادث را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر نموده است. در نتیجه پذیرش مفاد قراردادهای الحاقی بخصوص عقد بیمه که شرکت‌های بیمه با استفاده از نظر متخصصین و حقوقدانان با رعایت منافع بیمه‌گر تنظیم می‌گردد به شکل یک امر ضروری و بلکه اضطراری در آمده است. سایر قراردادهای الحاقی مثل قرارداد اخذ تسهیلات بانکی و آب و برق و گاز و... نقش غیرقابل انکاری در رفع مشکلات افراد و افزایش رفاه و امنیت و توسعه جوامع دارد. بدیهی است ملاک تشخیص ضروری از غیرضروری، نظر عرف است و حتی ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت باشد. بیمه حوادث در زندگی شهری امری عادی و ضروری است، ولی در برخی روستاها و به‌خصوص تا چندین سال قبل، این موارد از ضروریات زندگی محسوب نمی‌شد. استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی مانند راه‌آهن نیز امروزه از مصادیق ضرورت استفاده از قراردادهای الحاقی می‌باشد. (عدوی، ۱۹۹۴)

با وجود ضرورت وجود و پذیرش قراردادهای الحاقی همان‌گونه که قبلاً ذکر شد موقعیت طرفین برابر نیست. یک طرف با موقعیت اقتصادی برتر و گاهی انحصاری پیشنهادکننده شرایط و مفاد آن است و طرف دیگر چاره‌ای جز پذیرش مفاد پیشنهاد ارائه‌شده را ندارد. شخصی که برای احداث سر پناهی نیاز به وام دارد و راهی جز اخذ وام ندارد و یا کسی که شرط بهره‌برداری درست از وسیله نقلیه‌اش و نیز اطمینان از حمایت بیمه‌گر از حوادث آتی غیرقابل‌پیش‌بینی چاره‌ای جز الحاق به قرارداد بیمه و وام مزبور را ندارد. البته عدم توازن اقتصادی در معاملات امری عادی و متعارف است، به‌گونه‌ای که در بسیاری از معاملات، تساوی و توازن اقتصادی میان دو طرف قرارداد وجود ندارد و این امر از زمان‌های قدیم نیز سابقه داشته و خللی هم در صحت عقود وارد نمی‌کند. چون توازن قدرت اقتصادی شرط صحت قراردادها

نیست و فقط داشتن اراده آزاد برای طرفین، شرط است. (کاتوزیان، ۱۳۷۶). پس هر نوع عدم توازن بین طرفین موجب الحاقی شدن قرارداد نمی‌شود. لیکن در مواردی اختلاف اقتصادی بسیار شدید میان طرفین وجود دارد. در مواردی برتری و تفوق یک طرف، به واسطه انحصار در تولید کالا و خدمت به وجود آمده و تشدید گردیده و همین انحصار موجب گردیده که اختیار تعیین قیمت و حوه فروش در سلطه او باشد و تنها اراده او در شکل‌گیری شرایط و مفاد قرارداد مؤثر باشد. در مقابل، وقتی طرف دیگر به خاطر نیازی که به استفاده از آن کالا یا خدمت انحصاری دارد مجبور به پذیرش تمام شرایط پیشنهادی است، قرارداد از نوع الحاقی و به عبارتی تحمیلی است.

در قراردادهای بیمه، ایجاب به صورت یک فرم چاپی و نمونه عرضه می‌شود که در آن تمام شروط و مفاد قرارداد وجود دارد و در تنظیم آن دقت زیادی صورت گرفته و درعین حال، از پیچیدگی زیادی نیز برخوردار است که فهم آن برای اشخاص عادی مشکل است. با توجه به آنچه ذکر شد در قراردادهای الحاقی نوعی اضطراب در انعقاد آن‌ها از سوی بیمه‌گذار وجود دارد و باید دید که اثر این اضطراب در قراردادهای منعقدہ چیست. در مواردی مفاد قرارداد به قدری تخصصی و ریز نوشته شده که معمولاً افراد رغبت به خواندن آن نمی‌کنند و حتی مفاد آن را به درستی و دقت درک نمی‌کنند ولی مجبور به پذیرش آن هستند. (بابایی، ۱۳۸۶) ضمن این که این پیشنهاد، برای همه مردم به یک شکل و با شروط یکسان، ارائه می‌شود. با عنایت به موارد پیش گفته عقد بیمه دارای خصوصیات عقود الحاقی است زیرا اولاً مفاد آن اصولاً توسط بیمه‌گر یا سازمان‌های بیمه تهیه و در اختیار افراد قرار می‌گیرد و بیمه‌گذار علی‌الاصول نقشی در تعیین مفاد آن ندارد، ثانیاً طرفین آن در وضعیت برابر نیستند ثالثاً بیمه‌گذار به دلیل ضرورت و نیاز جهت بهره‌مندی از آثار عقد ناگزیر از پذیرش مفاد آن است.

## ۲-۱- نقش طرفین و اضطراب در اجرای قرارداد

در این قراردادها معمولاً بیمه‌گر است که تمامی شرایط قرارداد را از پیش مشخص و بیمه‌گذار را به پذیرش همه آن ناگزیر می‌کند. این توازن ناهمگون تنها محدود به هنگام انعقاد قرارداد بیمه نیست. قراردادهای بیمه نه تنها در زمان انعقاد، تحمیلی و الحاقی هستند، بلکه در مسیر و فرایند اجرا، نیز، این شرکت بیمه است که خواسته‌های خویش را در ظاهر توافق به طرف دیگر تحمیل می‌کند.

تحمیل و اجبار در هنگام اجرای قرارداد بیمه از زمان انعقاد بیشتر است؛ زیرا در زمان انعقاد، بیمه‌گذار با شرایط دشواری روبه‌رو نیست، او آزاد است با هر شرکتی که می‌خواهد قرارداد منعقد کند بی‌آنکه اجباری در کار باشد اما آنگاه که به دیگری یا به خویش زیان وارد می‌آورد، شرایطش با لحظه انعقاد قرارداد، یکسان نیست. او در این هنگام، از اضطراب و ناچاری لبریز است، به‌علاوه، همانند لحظه انعقاد قرارداد، با چند گزینه روبه‌رو نیست، او هست و یک شرکت بیمه که دیگر چاره‌ای جز از مراجعه به او ندارد. بیمه‌گر نیز خود را بی‌نیاز از بیمه‌گذار می‌بیند، او قرارداد بیمه را بسته و حق بیمه‌اش را دریافت کرده، پس در برابر بی‌تابی‌ها و پیگیری‌های بیمه‌گذار برای دریافت غرامت می‌تواند بی‌تفاوت باشد. در چنین اوضاع و احوالی، بیمه‌گر از ناچاری بیمه‌گذار خویش سوءاستفاده کرده و تلاش می‌کند زمان پرداخت غرامت را به تعویق اندازد یا اندازه‌ی آن را کاهش دهد و هنگامی که نوبت پرداخت نیز می‌رسد، تعهدنامه‌ی از او می‌گیرد تا دیگر بیمه‌گذار نتواند به بیمه‌گر مراجعه کند.

نظام حقوقی نمی‌تواند به این بدعهدی بی‌تفاوت باشد. برای همین، باید از ابزارهای لازم برای حمایت از بیمه‌گذاران بهره‌برد و اعتبار رضایت‌نامه‌هایی که بیمه‌گذار به بیمه‌گر خویش داده را مورد ارزیابی قرار دهد.

## ۲-۲- حکم اضطراب در قراردادهای بیمه

اصل در معاملات استحکام و ثبات است (مواد ۲۱۹ و ۲۲۴ و ۴۹۶ ق م) و نباید به‌گونه‌ای عمل کرد که معاملات متزلزل شود لذا قانون مدنی موارد موجب اخلال در صحت قرارداد و نیز عوامل فسخ قرارداد را به‌صورت استثنا و با رعایت شرایط خاص اعلام نموده است و در صورت فقدان شرایط مذکور عقد صحیح است بر همین اساس به‌صراحت ماده (۲۰۶) این قانون، «اگر کسی در نتیجه اضطراب اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطرابی معتبر خواهد بود». بر همین مبنا حقوقدانان و فقها معامله اضطرابی را نافذ می‌دانند (امامی، ۱۳۶۳: ۱۹۴، امام خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۶۷، طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸: ۱۲۱) زیرا اضطراب اگرچه نیست و کسی مضطر را وادار به انجام معامله ننموده است و خود فرد مضطر تصمیم به انجام معامله می‌گیرد لذا اراده او کامل است هرچند وجود یک ضرورت او را وادار به انجام معامله نموده است. لیکن اگر از موقعیت اضطرابی سوءاستفاده شود باید آن را از اضطراب معمول متمایز کرد و سوءاستفاده از اضطراب را در حکم اکراه بدانیم و

چنین قراردادی را معتبر نشماریم. به‌ویژه آن‌که منطق حقوق نیز آن را تأیید می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰) که در مبحث بعدی بدان خواهیم پرداخت.

بنابراین در قرارداد بیمه نیز تا زمانی که سوءاستفاده از اضطرار بیمه‌گذار صورت نگرفته باشد، باید قرارداد را صحیح دانست و با هر انگیزه و عذری قراردادهای نباید دچار تزلزل شود زیرا مصلحت اجتماعی قرارداد و امتنان در حق شخص مضطر اقتضا می‌کند قرارداد صحیح و نافذ باشد. درواقع این نفوذ و اعتبار در راستای حمایت از بیمه‌گذار است تا بتواند با انعقاد قرارداد بیمه سلامت، دارایی و... خود را بیمه کند و از ورود خسارات و زیان‌های عظیم بر او پرهیز شود.

### ۲-۳- سوءاستفاده از اضطرار

همان‌طور که بیان شد معامله اضطراری صحیح و نافذ است لیکن در مواردی ممکن است بیمه‌گذار دچار اضطرار گردد و بیمه‌گر با علم و اطلاع از این وضعیت از او سوءاستفاده کند و شروط ناعادلانه و گزافی را بر او تحمیل کند. در مواردی شخص طرف قرارداد، خود وضعیت اضطراری را ایجاد می‌کند مثلاً کدخدای یک روستا به کشاورزی آب برای زراعت نهد تا بتواند زمین او را با بهای اندکی خریداری کند. در اینجا نیت پلید طرف قرارداد و سوءاستفاده او مطرح است که از نظر حقوقی باید راهکاری برای جلوگیری از این نوع قراردادهای و حمایت از شخص مضطر اندیشید. در مقررات قانون مدنی در این خصوص راه‌حلی به دست نمی‌آید. برخی از حقوقدانان حسب ظاهر ماده (۲۰۶) قانون مدنی این نوع قراردادهای را صحیح می‌دانند (امامی، ۱۳۶۳: ۱۹۶) در حقوق برخی کشورها مثل آلمان قرارداد مبتنی بر سوءاستفاده از وضعیت مظطر را باطل (ماده ۱۳۸ ق م آلمان) و ماده (۲۱) قانون تعهدات سوئیس قرارداد را قابل فسخ می‌داند. در فرانسه تمایل به الحاق این نوع قراردادهای به اکراه است. در حقوق عراق و مصر قرارداد ناشی از سوءاستفاده را قابل ابطال می‌دانند (عبدی پور، ۱۳۷۶: ۹۸). در حقوق ایران با استناد به برخی مقررات مثل خیار غبن و قاعده لاضرر و نیز الحاق این نوع قراردادهای به قراردادهای اکراهی می‌توان گفت عقد قابل فسخ باشد زیرا هرچند مضطر مکره نیست ولی دارای اراده سالم برای انعقاد عقد نیست و با وجود اختلاف اکراه و اضطرار در تحقق اکراه و اضطرار از نظر عامل ایجاد تفاوتی در تحقق اکراه در اثر عوامل بیرونی و درونی و اوضاع و احوال خارجی موجب اضطرار نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۵۲۸) علاوه بر این از اصل (۴۰) قانون اساسی و ماده (۱۳۲) قم و زمینه تاریخی وضع قاعده لاضرر استنباط

می‌شود که سوءاستفاده از حق مجاز نیست و موجب ضمانت اجراهای خاص حقوقی است. قابلیت فسخ قرارداد می‌تواند همسو با مقررات قانون مدنی و در راستای حمایت از زیان‌دیده مضطر این هدف را تأمین کند و موارد سوءاستفاده از اوضاع اضطراری طرف قرارداد را در حکم اکراه قرار دهد و اوحق داشته باشد بعد از برطرف شدن شرایط اضطراری، معامله را فسخ کند یا با مراجعه به دادگاه، تعدیل غیرعادلانه را درخواست نماید. به عبارتی پس رفع حکم صحت از چنین معاملاتی، خلاف امتنان نیست. (عبدی‌پور، ۱۳۷۶: ۱۰۶). همان‌گونه که یکی از اساتید حقوق گفته‌اند «در جایی که بیمه‌گر با سوءنیت می‌خواهد از شرایط اضطراری پیش‌آمده یا خود پیش آورده بهره‌برداری ناروا کند، مصلحت حفظ نظام قراردادی و ثبات معاملات با مصلحت مهم‌تری، یعنی مصلحت حفظ عدالت و جلوگیری از تجاوز اشخاص به یکدیگر، تعارض پیدا می‌کند و در این مقابله‌ی دو مصلحت، مصلحت دوم چون مربوط به نظم عمومی می‌شود مقدم است» (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۵۱۵).

### ۳- وضعیت اندراج شروط کاهش‌دهنده مسئولیت بیمه‌گر

هرچند عقد بیمه عقدی تشریفاتی است، اما عقدی است که بر اساس اصل حاکمیت اراده و توافق طرفین استوار است. با توجه به قراردادی بودن عقد بیمه، شرکت‌های بیمه‌گر اقدام به درج شروطی تحت عنوان شرط عدم مسئولیت و شرط تحدید مسئولیت جهت کاهش تعهدات خود نموده‌اند. متأسفانه قوانین و مقررات ایران در این زمینه پراکنده بوده و همین امر نیز منجر به ناکارآمدی قوانین و سوءاستفاده‌های احتمالی شرکت‌های بیمه‌گر گردیده است.

شاید همین رویکرد است که در «قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» مؤثر افتاده و سبب انشای ماده (۱۱) این قانون شده است. بر اساس این ماده، «درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان‌دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه‌نامه نمی‌شود. همچنین اخذ هرگونه رضایت‌نامه از زیان‌دیده توسط بیمه‌گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایت‌نامه‌ای بلااثر است».

شرط کاهش مسئولیت به دو دسته «شرط عدم مسئولیت» و «شرط محدودکننده مسئولیت» تقسیم می‌شود. قراردادی که بین مسئول و زیان‌دیده احتمالی آینده

بسته می‌شود و به موجب آن مسئول از پرداختن تمام خسارت معاف می‌گردد را «شرط عدم مسئولیت» می‌نامند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۳۲). نافذ شناختن شرط عدم مسئولیت به سرمایه‌داران بزرگ و به‌ویژه آن‌ها که انجام خدمتی را به‌طور انحصاری در اختیار دارند، این امکان را می‌دهد که با آوردن آن در قراردادهای الحاقی در برابر همه مشتریان خود در آینده نسبت به خساراتی که به بار می‌آورند، مصونیت یابند. یکی از این حوزه‌ها حقوق بیمه است. متأسفانه قوانین بیمه ایران به بحث درج شرط عدم مسئولیت در قرارداد بیمه توجهی ننموده‌اند و از این جهت قوانین بیمه‌ای ایران قابل انتقاد می‌باشند، زیرا باب سوءاستفاده شرکت‌های بیمه را باز نموده‌اند.

### ۱-۳- مصادیق شروط کاهش مسئولیت در قرارداد بیمه

- **عمد بیمه‌گذار:** خسارت‌هایی که از عمد بیمه‌گذار ناشی می‌شود، از چارچوب‌های ریسک تحت پوشش بیمه‌گر خارج است و بیمه‌گران در هیچ شرایطی اعمال عمدی بیمه‌گذاران را تحت تعهد خود قرار نمی‌دهند.

- **محدوده مکانی تعهد بیمه‌گر:** یکی دیگر از شروط عدم مسئولیت بیمه‌گر مربوط به محدوده مکانی این تعهد است. بیمه‌گر در ماده (۱۸) آیین‌نامه موردبررسی به‌صراحت عنوان می‌کند که تعهد بیمه‌گر در این بیمه‌نامه صرفاً در قلمرو جمهوری اسلامی ایران اعتبار دارد و اعمال پزشکی که در خارج از قلمرو جمهوری اسلامی ایران باشد، از تعهدات بیمه‌گر خارج است. یا مسئولیت بیمه‌گر در حوادث کار که فقط در محیط کارگاه مندرج در قرارداد معتبر است.

- **قرار دادن سقف تعهد در قرارداد بیمه:** در قرارداد بیمه به سقف تعهدات بیمه‌گر نیز باید توجه نمود، زیرا بیمه‌گر بر اساس عقد بیمه صرفاً تا سقف تعهدات ذکرشده در قرارداد مسئولیت خواهد داشت، البته باید توجه نمود که در برخی از موارد سقف تعهدات بیمه‌گر نامحدود می‌باشد. در این نوع از بیمه‌نامه‌ها تمامی خسارت باید توسط شرکت بیمه‌گر جبران شود.

- **قرار دادن شرط فرانشیز:** در حقوق ایران، شروط فرانشیز به شرطی اطلاق می‌شود که مطابق آن بیمه‌گر درصد معینی از خسارت وارده به بیمه‌گذار یا شخص ثالث را کاهش داده و باقی مبلغ را به ایشان پرداخت می‌نماید، زیرا شرکت بیمه‌گذار در شرط فرانشیز همواره درصد معینی از خسارت را پرداخت نمی‌کند. برای مثال اگر شرکت بیمه‌گذار فرانشیز را ۱۰٪ اعلام نماید، این شرط بدین معنا می‌باشد که مسئولیت شرکت بیمه‌گذار در پرداخت خسارت به ۹۰٪ محدود شده است، هرچند

فرانشیز را باید نوعی شرط تحدید مسؤولیت تلقی نمود. غالباً این شرط برای مبالغ جزئی درج می‌شود. برای مثال ممکن است شرکتی شرط نماید که خسارات تا مبلغ پانصد هزار ریال را جبران نخواهد نمود؛ اما در برخی از موارد این شرط را باید نوعی شرط عدم مسؤولیت دانست، زیرا در برخی از موارد مشاهده می‌گردد که بیمه‌گر شرط می‌نماید که اگر خسارت تا مبلغ معینی باشد، شرکت بیمه‌گر تعهدی به جبران آن نخواهد داشت. در مورد وضعیت شروط عدم مسؤولیتی که ممکن است در نتیجه شرط عدم مسؤولیت قانونی به وجود آیند، تردیدی وجود ندارد، بلکه تردید در مورد وضعیت شروط عدم مسؤولیت در قرارداد بیمه، در مورد شروطی است که منشأ قراردادی دارند.

### ۲-۳- اثر و اعتبار اخذ رضایت‌نامه کتبی از بیمه‌گذار در قراردادهای بیمه

برخی از بیمه‌ها تمامی خسارت‌های تعیین‌شده در آرای محاکم را به دلایل مختلف حقوقی نمی‌پردازند که برخی از این دلایل نیز منطقی و مستدل است و برخی به نظر می‌رسد شایبه غیرقانونی بودن داشته باشد. یکی از دلایل عدم پرداخت کامل خسارات مندرج در احکام قضایی از سوی سازمان‌های بیمه‌گر، استناد به اخذ رضایت و توافق با خسارت‌دیده به صورت محضری و تسویه حساب به اوست.

بیمه از جمله قراردادهایی است که به دلیل سازوکار فنی خود دارای اصول خاصی است که اختصاص به عقد بیمه داشته و آن را از سایر عقود جدا می‌کند و در صورت عدم توجه به آن‌ها بیمه مفهوم و فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. نکته قابل توجه، خصلت الزام‌آور بودن و امری بودن اصول و قواعد بیمه‌ای می‌باشد که موجب محدودیت در میدان عمل بیمه‌گران گردیده به طوری که نمی‌توانند به سهولت از قراردادهای بیمه تفسیرهایی به نفع خود و به زیان بیمه‌گذاران نموده و سبب از بین رفتن حقوق مردم شوند. به طور کلی در کلیه رشته‌های بیمه‌ای اصول حسن نیت و نفع بیمه‌ای حاکم است، حال آنکه اصل غرامت فقط در بیمه‌های اموال و بیمه درمان جاری می‌باشد.

در قانون سال ۹۴ در خصوص قانون بیمه شخص ثالث به اعلام رضایت زیان‌دیده اشاره شده و در ماده (۱۱) به صراحت، این رضایت را ملغی‌الاثراً دانسته: درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان‌دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر نماید، با درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بالاتر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه‌نامه نمی‌شود. همچنین اخذ هرگونه رضایت‌نامه از

زیان دیده توسط بیمه‌گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایت‌نامه‌ای بلااثر است.

بدیهی است طبق قوانین فوق، اخذ هرگونه رضایت‌نامه از زیان دیدگان برای دریافت خسارت کمتر، از سوی شرکت‌های بیمه‌گر، فاقد وجاهت قانونی است و در صورت اخذ چنین رضایت‌نامه‌ای، با استناد به قوانین فوق می‌توان آن را باطل و شرکت بیمه‌گر را موظف به پرداخت کلیه خسارات کرد. (بند ۴ از بخش پ ماده ۲ آیین‌نامه نحوه رسیدگی به قصور و تخلفات شرکت‌های بیمه موضوع ماده ۵۷ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث ۱۳۹۸)

در ماده دیگری نیز آمده که درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی باطل و بلااثر است. (ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث)

### ۳-۳- اثر اندراج شرط عدم مسئولیت بیمه‌گر در قرارداد

نافذ شناختن شرط عدم مسئولیت به سرمایه‌داران بزرگ و به‌ویژه آن‌ها که انجام خدمتی را به‌طور انحصاری در اختیار دارند، این امکان را می‌دهد که با آوردن آن در قراردادهای الحاقی در برابر همه مشتریان خود در آینده نسبت به خساراتی که به بار می‌آورند، مصونیت یابند (کاتوزیان، ۱۳۸۰) یکی از این حوزه‌ها حقوق بیمه است. متأسفانه قوانین بیمه ایران به بحث درج شرط عدم مسئولیت در قرارداد بیمه توجهی ننموده‌اند و از این جهت قوانین بیمه‌ای ایران قابل انتقاد می‌باشند، زیرا باب سوءاستفاده شرکت‌های بیمه را باز نموده‌اند.

اگر شرکت بیمه‌گر در نتیجه توافق با بیمه‌گذار اقدام به درج شرط عدم مسئولیت نسبت به تعهد اصلی نماید، چنین شرطی را باید مصداق شرط مبطل دانست، چراکه مهم‌ترین اثر عقد بیمه تعهد بیمه‌گر در قبال بیمه‌گذار مبنی بر جبران خسارات احتمالی است. حال اگر به‌وسیله شرطی این اثر از عقد بیمه‌گرفته شود، چنین عقدی مصداق بند یک ماده (۲۳۳) قانون مدنی بوده و منجر به بطلان قرارداد بیمه می‌گردد، زیرا چنین شرطی تعهد اصلی شرکت بیمه را از بین می‌برد و در نتیجه قرارداد بیمه را بدون عوض می‌نماید. با این توضیح که عقد بیمه هرچند عقدی احتمالی می‌باشد، اما عقدی مسامحه‌ای نیست، بلکه عقدی معوض است (آل شیخ، ۱۳۸۱)، دارا بودن عوض نیز در ذات عقد معوض قرار دارد (صفایی، ۱۳۷۸). حال اگر در

قرارداد بیمه شرطی شود که یکی از عوضین قرارداد را از بین ببرد، چنین شرطی ذات قرارداد بیمه را دگرگون نموده و قرارداد بیمه را بدون عوض می‌نماید (شهیدی، ۱۳۸۰). بدیهی است قرارداد معوضی که یکی از عوضین در آن وجود نداشته باشد را نمی‌توان صحیح دانست؛ بنابراین شرط عدم مسؤولیت که توسط بیمه‌گر در قرارداد بیمه درج می‌شود را نه تنها باید باطل دانست، بلکه به استناد ماده (۲۳۳) قانون مدنی باید این شرط را باطل و مبطل عقد دانست، زیرا موضوع عقد بیمه ریسک مورد بیمه است. به همین دلیل است که اعلام ریسک مورد بیمه، یکی از مهم‌ترین تعهدات بیمه‌گذار محسوب می‌شود. در همین راستا ماده (۱۲) قانون بیمه ضمانت اجرای عدم اعلام صحیح ریسک مورد بیمه به‌طور عمدی را بطلان عقد بیمه اعلام نموده است. (صالحی، ۱۳۷۲) با کمی تأمل می‌توان به قیاس اولویت بطلان قرارداد بیمه‌ای که در آن شرط گردیده است، بیمه‌گر مسئول جبران خسارت نباشد را استنتاج نمود، زیرا وقتی عدم اعلام صحیح ریسک مورد بیمه موجب بطلان قرارداد بیمه می‌شود، به طریق اولی استثنای این ریسک از بیمه را نیز باید موجب بطلان قرارداد بیمه دانست. در نتیجه شرطی که این مسؤولیت را ساقط می‌نماید را باید باطل و مبطل دانست. علاوه بر این با توجه به این که قرارداد بیمه به دو دسته کلی اجباری و اختیاری تقسیم می‌شود، باید بیان نمود که در بیمه‌نامه‌های اجباری، با توجه به این که قواعد ذکر شده در این بیمه‌نامه آمره هستند، باید بیان نمود که توافق برخلاف این قواعد و پیش‌بینی شده و در نتیجه نامعتبر می‌باشند، در حالی که در بیمه‌نامه‌های اختیاری این دلیل قابل استناد نیست.

اخیراً قانون‌گذار در برخی از موارد، همچون ماده (۱۱) قانون بیمه اجباری شخص ثالث نسبت به اندراج شروط عدم مسؤولیت موضع‌گیری نموده و چنین شروطی را نامعتبر اعلام نموده است. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار اقداماتی در حرکتی جامع نسبت به شرط عدم مسؤولیت تعیین تکلیف نماید و از ارجاع و واگذاری این شروط به توافق طرفین خودداری نماید، زیرا توافق طرفین در این زمینه از رسیدن به هدف حقوق که همانا عدالت اجتماعی است، قاصر است؛ بنابراین ضروری است قانون‌گذار در این زمینه صرفاً به کنترل قضایی اکتفا ننماید و با کنترل تقنینی، تصویب قوانین مناسب در این زمینه در دستور کار خود قرار دهد.

### نتیجه‌گیری

در عقد بیمه، شرکت‌های بیمه‌گر در قبال دریافت حق بیمه، ریسک بیمه‌گذار

را پوشش داده و متعهد می‌شوند، در صورتی که مال یا منفعت بیمه‌گذار در معرض خطر قرار گیرد، خسارت وارده را پوشش دهند. به عبارت دیگر در قرارداد بیمه، شرکت بیمه در صورت حصول شرایط عقد بیمه، مکلف به جبران خسارت وارده به بیمه‌گذار می‌گردد. اگرچه اصل غرامت یا همان اصل جبران خسارت در قرارداد بیمه یک اصل بنیادین است، اما همواره لزوماً جبرانی کامل به عمل نمی‌آید. در پاره‌ای از اقسام بیمه‌نامه‌ها این وضع دیده می‌شود که بیمه‌گر مکلف نیست تمام آنچه بیمه‌گذار به عنوان خسارت متحمل شده بپردازد.

محتوی قرارداد بیمه به صورت یک قرارداد نمونه و استاندارد را شروطی تشکیل می‌دهد که بیمه‌گذاران در تعیین حدود و مفاد آن نقش چندانی ندارند. قراردادهای بیمه نه تنها در زمان انعقاد، تحمیلی و الحاقی هستند، بلکه در مسیر و فرایند اجرا نیز، این شرکت بیمه است که خواسته‌های خویش را در ظاهر توافق به طرف دیگر تحمیل می‌کند.

هرچند در قانون مدنی ایران، نامی از قرارداد الحاقی به میان نیامده و آن را از سایر قراردادهای جدا نکرده است، اما در عین حال معامله مضطر را جزء عقود دانسته و آن را صحیح و نافذ شمرده است. مبنای اصلی صحت معامله اضطراری، مصالح اجتماعی و اصل ثبات و استواری معاملات است. از آنجاکه بیمه یک قرارداد الحاقی می‌باشد حکم قراردادهای الحاقی را که از مصادیق معاملات اضطراری است باید در دو فرض مختلف مورد بررسی قرار داد: اگر در این قراردادهای صرفاً اضطرار محض در کار بوده ولی بیمه‌گر از این شرایط اضطراری سوءاستفاده‌ای نکرده است، یعنی هرچند شرایط بیمه‌گذار برای انعقاد قرارداد ضروری و لازم بوده است و مفاد و شرایط قرارداد را نیز بیمه‌گر ارائه کرده و بیمه‌گذار هم نسبت به پذیرش آن اضطرار داشته اما در عین حال شروط غیرمنصفانه و غیرعادلانه‌ای در آن وجود ندارد، در این صورت این قرارداد صحیح و نافذ بوده و مجرد عدم توازن اقتصادی میان طرفین یا وجود اضطرار نسبت به قرارداد، به صحت و نفوذ قرارداد خللی وارد نمی‌کند، زیرا مصلحت ثبات و پایداری معاملات بر سایر مصالح ترجیح دارد؛ از لحاظ فقهی نیز با توجه به قاعده‌ی لا ضرر و نفی حرج و عموماً وجوب عدالت و حرمت ظلم و اجحاف و روایات مربوط به نهی از معاملات اضطراری و همچنین ادله‌ی مربوط به لزوم دخالت حکومت اسلامی در این گونه موارد صحت و نفوذ این قراردادهای مورد تردید جدی قرار می‌گیرد.

اگرچه درج شروط محدودکننده مسئولیت مانند شرط فرانشیز یا تعیین سقف برای

میزان مسئولیت امری پذیرفته شده است اما اگر شرکت بیمه‌گر در نتیجه توافق با بیمه‌گذار اقدام به درج شرط عدم مسئولیت نسبت به تعهد اصلی نماید، چنین شرطی را باید مصداق شرط مبطل دانست، چراکه مهم‌ترین اثر عقد بیمه تعهد بیمه‌گر در قبال بیمه‌گذار مبنی بر جبران خسارات احتمالی است و در صورت درج چنین شرطی هم شرط باطل است و هم موجب بطلان عقد می‌گردد.

## منابع

۱. امامی، حسن، حقوق مدنی، ۱۳۷۵ ش، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چ ۱۷.
۲. آل شیخ، محمد، ۱۳۸۱ ش، ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه های عمر و مسئولیت مدنی، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۲.
۳. بابایی، ایرج، ۱۳۸۶ ش، حقوق بیمه، تهران، انتشارات سمت، تهران، چ ۲.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۲ ش، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چ ۶.
۵. جمالی زاده، احمد، ۱۳۸۰ ش، بررسی فقهی عقد بیمه، قم، انتشارات بوستان کتاب، چ ۱.
۶. خوانساری، سید احمد، ۱۴۰۵ ق، جامع المدارک، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲.
۷. خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۲ ق، مصباح الفقاهه، بیروت، دارالهادی، چ ۱.
۸. شهیدی، مهدی، ۱۳۷۷ ش، تشکیل قراردادهای و تعهدات، تهران، نشر حقوقدان، چ ۱.
۹. صفائی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران، مدرسه عالی حسابداری، چ ۱.
۱۰. طباطبایی حکیم، محسن، ۱۳۷۱ ق، نهج الفقاهه، نجف، مطبوعه علمیه.
۱۱. طباطبایی یزدی، محمدکاظم، ۱۳۷۸ ق، حاشیه الملکاسب، قم، چاپ سنگی.
۱۲. عبدی پور، ابراهیم، ۱۳۷۶ ش، بررسی تطبیقی مفهوم اضطرار و آثار آن در حقوق مدنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱.
۱۳. عدوی، جلال علی، ۱۹۹۴ م، مصادر الالتزام، بیروت، دارالجامعیه، چ ۱.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۰ ش، قواعد عمومی قراردادهای، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۲.
۱۵. -----، ۱۳۸۵ ش، الزام های خارج از قرارداد: ضمان قهری، مسئولیت مدنی، غصب و استیفاء، تهران، دانشگاه تهران، چ ۵.
۱۶. گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ش، مقالات حقوقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. محمود صالحی، جانعلی، ۱۳۷۲ ش، حقوق زیاندیدگان و بیمه شخص ثالث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱.
۱۸. موسوی خمینی (امام)، روح الله، ۱۳۶۵ ش، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی.
۱۹. نائینی، محمد حسین (میرزای نائینی)، ۱۴۰۴ ق، فوائد الاصول، تقریر محمدعلی کاظمی خراسانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۰. نراقی، ملا احمد، ۱۴۰۵ ق، مستند الشیعه، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله نجفی، چ ۱.